



Food Security as a Fundamental Human Right; From Government Obligations to Human Dignity

Mohammad Ali Nasiri¹, Ahmad Reza Khazaei^{2*}, Ali Bahraminejad³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 145-157

Article history:

Received: 13 Dec 2025

Edition: 30 Dec 2025

Accepted: 9 Feb 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Food security, human rights, right to food, government obligations, human dignity.

Corresponding Author:

Ahmad Reza Khazaei

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-1491-7819

Email:

dr.khazaei46@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Food security, as one of the most fundamental components of human life, beyond an economic or development issue, has been considered in recent decades within the framework of human rights. The right to adequate food, as one of the fundamental human rights, is rooted in the inherent dignity of man.

Materials and Methods: The present study is descriptive-analytical and based on library studies.

Ethical Considerations: In the present study, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality, and originality of the work have been observed. Economic, social, and cultural rights have been recognized.

Findings: The research findings show that governments are not only obligated to ensure citizens' physical and economic access to sufficient, healthy, and sustainable food, but also have an obligation to refrain from any action or policy that violates this right and to provide the basis for the realization of human dignity by adopting legislative, executive, and judicial measures.

Conclusion: Achieving food security is not possible without a human rights approach and the real commitment of governments to international obligations, and ensuring human dignity requires the recognition and effective implementation of the right to food as a fundamental human right.

Cite this article as:

Nasiri M.A, Khazaei A.R, Bahraminejad A. Food Security as a Fundamental Human Right; From Government Obligations to Human Dignity. 2026.

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

امنیت غذایی به مثابه حق بنیادین بشر؛ از تعهدات دولت‌ها تا کرامت انسانی

محمدعلی نصیری^۱، احمدرضا خزائی^{۲*}، علی بهرامی نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>زمینه و هدف: امنیت غذایی به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های حیات انسانی، فراتر از یک مسئله اقتصادی یا توسعه‌ای، در دهه‌های اخیر در چارچوب حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. حق بر غذای کافی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، ریشه در کرامت ذاتی انسان داشته است.</p> <p>مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، است.</p> <p>ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به رسمیت شناخته شده است.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت‌ها نه تنها موظف به تأمین دسترسی فیزیکی و اقتصادی شهروندان به غذای کافی، سالم و پایدار هستند، بلکه تعهد دارند از هرگونه اقدام یا سیاستی که منجر به نقض این حق شود، خودداری کرده و با اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی، زمینه تحقق کرامت انسانی را فراهم آورند.</p> <p>نتیجه: تحقق امنیت غذایی بدون رویکرد حقوق بشری و التزام واقعی دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی، امکان‌پذیر نبوده و تضمین کرامت انسانی مستلزم شناسایی و اجرای مؤثر حق بر غذا به عنوان یک حق بنیادین بشر است.</p>	<p style="text-align: center;">نوع مقاله: پژوهشی</p> <p style="text-align: center;">صفحات: ۱۴۵-۱۵۷</p> <hr/> <p style="text-align: center;">سابقه مقاله:</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲</p> <p>تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸</p> <hr/> <p style="text-align: center;">واژگان کلیدی:</p> <p>امنیت غذایی، حقوق بشر، حق بر غذا، تعهدات دولت‌ها، کرامت انسانی.</p> <hr/> <p style="text-align: center;">نویسنده مسئول:</p> <p>احمدرضا خزائی</p> <p>آدرس پستی:</p> <p>ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.</p> <p>کد ارکید:</p> <p>0000-0002-1491-7819</p> <p>پست الکترونیک:</p> <p>dr.khazaei46@yahoo.com</p>
<p>محمدعلی نصیری، احمدرضا خزائی، علی بهرامی نژاد. امنیت غذایی به مثابه حق بنیادین بشر؛ از تعهدات دولت‌ها تا کرامت انسانی، ۱۴۰۵.</p>	<p>به این مقاله با این عنوان استناد کنید</p>

۱. مقدمه

یک از این سطوح می‌تواند منجر به تضعیف کرامت انسانی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی شود. (سجادی و رضایی، ۱۴۰۴، ۲۵) همچنین، پژوهش‌های منتشرشده در مجلات علمی - پژوهشی حقوقی کشور، امنیت غذایی را یکی از شاخص‌های تحقق حق بر زندگی شایسته دانسته و بر لزوم نهادینه‌سازی آن در سیاست‌گذاری‌های عمومی تأکید کرده‌اند. (رستمی، ۱۴۰۴، ۱۲)

از سوی دیگر، برخی نویسندگان با تمرکز بر آثار تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، به این نتیجه رسیده‌اند که ضعیف امنیت غذایی می‌تواند به‌طور مستقیم منجر به نقض حق بر غذا و سایر حقوق وابسته به آن شود و در نتیجه، مسئولیت دولت‌ها در قبال حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را تشدید می‌کند. (قاسمی، ۱۳۹۶، ۱۶) این دیدگاه، اهمیت اتخاذ رویکرد حقوق بشری در تحلیل امنیت غذایی و فراتر رفتن از نگاه‌های صرفاً فنی یا اقتصادی را برجسته می‌سازد.

بر این اساس، مقاله حاضر با رویکردی حقوق بشری، به بررسی امنیت غذایی به مثابه حق بنیادین بشر پرداخته و می‌کوشد ضمن تبیین جایگاه این حق در نظام حقوق بشر، تعهدات دولت‌ها را در راستای تحقق آن تحلیل نماید. هدف اصلی پژوهش، نشان دادن این واقعیت است که بدون شناسایی و اجرای مؤثر حق بر غذا، تحقق کرامت انسانی و عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

امنیت غذایی یکی از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و از ارکان اساسی تحقق توسعه پایدار و عدالت اجتماعی به شمار می‌آید. با این حال، تحولات اقتصادی، تغییرات اقلیمی، منازعات مسلحانه، تحریم‌های بین‌المللی و ناکارآمدی سیاست‌های عمومی سبب شده است که مسئله دسترسی پایدار به غذای کافی و سالم، به یکی از چالش‌های جدی جوامع معاصر تبدیل شود. در چنین شرایطی، رویکرد صرفاً اقتصادی یا فنی به امنیت غذایی پاسخگوی ابعاد پیچیده این پدیده نبوده و ضرورت توجه به آن در چارچوب حقوق بشر بیش از پیش احساس می‌شود.

در گفتمان حقوق بشر، «حق بر غذا» به عنوان یکی از مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ریشه در کرامت ذاتی انسان دارد و در اسناد بنیادین بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. این حق، دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا شرایطی فراهم آورند که هر فرد بتواند به غذای کافی، سالم و متناسب با شأن انسانی خود دسترسی داشته باشد. از این منظر، امنیت غذایی نه یک امتیاز سیاسی یا رفاهی، بلکه حقی بنیادین و الزام‌آور است که بی‌توجهی به آن، نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود. (سجادی و رضایی، ۱۴۰۴، ۱۸)

در ادبیات حقوقی ایران نیز، موضوع امنیت غذایی به تدریج جایگاه مهم‌تری یافته و پژوهشگران بر پیوند وثیق آن با حقوق بشر و تعهدات حاکمیتی تأکید کرده‌اند. برخی مطالعات با بررسی تطبیقی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایران نشان داده‌اند که دولت‌ها در قبال حق بر غذا دارای سه سطح تعهد «احترام، حمایت و ایفا» هستند و قصور در هر

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت‌ها نه تنها موظف به تأمین دسترسی فیزیکی و اقتصادی شهروندان به غذای کافی، سالم و پایدار هستند، بلکه تعهد دارند از هرگونه اقدام یا سیاستی که منجر به نقض این حق شود، خودداری کرده و با اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی، زمینه تحقق کرامت انسانی را فراهم آورند.

۵. بحث

۵-۱. مفاهیم کاربردی

امنیت غذایی از مفاهیم کلیدی و میان‌رشته‌ای است که در تقاطع حقوق بشر، توسعه پایدار، سلامت عمومی و سیاست‌گذاری اقتصادی قرار دارد. این مفهوم نخستین بار به‌طور رسمی در دهه ۱۹۷۰ و در پی بحران‌های جهانی غذا وارد ادبیات سازمان ملل شد، اما تعریف جامع و پذیرفته‌شده آن در اعلامیه رم درباره امنیت غذایی جهانی مصوب ۱۹۹۶ ارائه گردید. بر اساس این تعریف:

۵-۱-۱. امنیت غذایی

امنیت غذایی زمانی محقق می‌شود که همه مردم، در تمام اوقات، به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند؛ غذایی که نیازهای تغذیه‌ای و ترجیحات غذایی آنان را برای برخورداری از یک زندگی سالم و فعال برآورده سازد. (فائو، ۱۹۹۶، ۲۳۴)

این تعریف، نقطه عطفی در گذار از رویکرد صرفاً تولیدمحور به رویکرد انسان‌محور و حق‌محور نسبت به غذا محسوب می‌شود. برخلاف تعاریف پیشین که امنیت غذایی را معادل خودکفایی یا وفور مواد غذایی در سطح ملی می‌دانستند، تعریف فائو بر دسترسی پایدار، کیفیت غذا و شأن انسانی مصرف‌کنندگان تأکید می‌ورزد

بانک جهانی نیز در گزارش کلاسیک خود با عنوان Poverty and Hunger، امنیت غذایی را «دسترسی همه افراد، در تمام اوقات، به غذای کافی برای داشتن زندگی سالم» تعریف کرده و آن را به‌طور مستقیم با فقر، نابرابری و سیاست‌های کلان اقتصادی پیوند می‌دهد. (بانک جهانی، ۱۹۸۶، ۱۵۲) این تعریف، بُعد اقتصادی و توزیعی امنیت غذایی را برجسته می‌سازد.

در چارچوب حقوق بشر، امنیت غذایی مفهومی است که به‌طور مستقیم با «حق بر غذا» ارتباط دارد. ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) نه تنها حق هر فرد به غذای کافی را به رسمیت می‌شناسد، بلکه دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر لازم برای «رهایی از گرسنگی» ملزم می‌کند کمیته حقوق اقتصادی،

بشری، عرضه غذای ناسالم می‌تواند مصداق نقض تعهد دولت‌ها به حمایت از حق بر غذا باشد.

۵-۱-۵. مقبولیت و تناسب فرهنگی

یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه امنیت غذایی، تناسب فرهنگی غذاست. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح می‌کند که غذا باید «از نظر فرهنگی قابل پذیرش» باشد و تحمیل الگوهای غذایی ناسازگار با فرهنگ بومی، ناقض حق بر غذا تلقی می‌شود

۵-۱-۶. پایداری و استمرار

امنیت غذایی مفهومی ایستا و مقطعی نیست، بلکه مستلزم استمرار در طول زمان است. دسترسی ناپایدار یا وابسته به شرایط اضطراری، با ماهیت این حق بنیادین ناسازگار است. (فائو، ۲۰۱۱، ۱۴۲)

۵-۲. ارکان چهارگانه امنیت غذایی

ادبیات علمی و اسناد رسمی بین‌المللی، امنیت غذایی را بر چهار رکن به‌هم‌پیوسته استوار می‌دانند که نخستین بار به‌طور منسجم توسط فائو تبیین شد: (فائو، ۲۰۰۸، ۱۴۱)

۵-۲-۱. فراهم بودن غذا (Availability)

فراهم بودن غذا به وجود مقدار کافی غذای مناسب در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی اشاره دارد. این رکن متأثر از عواملی نظیر تولید داخلی، واردات، ذخایر راهبردی، نظام توزیع و کمک‌های غذایی است. با این حال، تجربه‌های جهانی نشان داده است که وفور غذا در سطح ملی لزوماً به امنیت غذایی

اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۲ تصریح می‌کند که امنیت غذایی، جزء لاینفک حق بر غذا و شرط اساسی تحقق کرامت انسانی است.

از این منظر، امنیت غذایی دیگر یک هدف سیاستی صرف یا برنامه رفاهی دولت‌ها نیست، بلکه حق بنیادین بشر و مبنایی برای بهره‌مندی از سایر حقوق انسانی نظیر حق بر حیات، سلامت و توسعه به‌شمار می‌آید.

۵-۱-۲. ویژگی‌های امنیت غذایی

امنیت غذایی واجد ویژگی‌هایی است که آن را از مفاهیمی نظیر «وفور غذا» یا «خودکفایی کشاورزی» متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها، ابعاد هنجاری و حقوق بشری امنیت غذایی را برجسته می‌کنند:

۵-۱-۳. کفایت کمی غذا

غذا باید از نظر مقدار، متناسب با نیازهای فیزیولوژیک افراد در سنین، جنسیت‌ها و شرایط مختلف باشد. عدم کفایت غذایی، حتی در کوتاه‌مدت، می‌تواند به سوءتغذیه، کاهش توان جسمی و نقض حق بر سلامت منجر شود.

۵-۱-۴. سلامت و ایمنی غذا

غذای سالم باید عاری از آلاینده‌های شیمیایی، میکروبی و زیستی باشد. سازمان جهانی بهداشت (WHO) ایمنی غذا را یکی از ارکان اساسی سلامت عمومی دانسته و تأکید می‌کند که غذای ناسالم سالانه موجب ابتلای میلیون‌ها نفر به بیماری‌های غیرواگیر و واگیر می‌شود. (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۵، ۱۹۰) از دیدگاه حقوق

۵-۳. امنیت غذایی در اسناد و نظام حقوق بشر بین‌الملل

حق بر غذا به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، ریشه در نخستین اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اگرچه به‌طور صریح از «حق بر غذا» نام نمی‌برد، اما در ماده ۲۵، حق هر انسان به «سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش از جمله خوراک» را به رسمیت شناخته است. این ماده، مبنای هنجاری شناسایی غذا به‌عنوان یکی از عناصر اساسی کرامت انسانی در نظام حقوق بشر محسوب می‌شود.

تدوین صریح و الزام‌آور حق بر غذا در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) صورت گرفت. ماده ۱۱ این میثاق، ضمن شناسایی «حق هر کس به سطح زندگی کافی، شامل خوراک مناسب»، دولت‌ها را موظف می‌کند که اقدامات لازم برای تحقق این حق و نیز «رهایی از گرسنگی» را اتخاذ کنند. این ماده، امنیت غذایی را نه تنها به‌عنوان هدف سیاست‌گذاری، بلکه به‌مثابه تعهد حقوقی دولت‌ها معرفی می‌کند. (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۹۶، ۲۸)

کمیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۲، مفهوم حق بر غذا را به‌طور مبسوط تبیین کرده و تأکید می‌کند که این حق زمانی محقق می‌شود که هر فرد، به‌صورت پایدار و با کرامت، به غذای کافی، سالم و قابل قبول فرهنگی دسترسی داشته باشد. این تفسیر، پیوند

خانوارها منجر نمی‌شود؛ امری که در قحطی‌های تاریخی نیز مشاهده شده است

۵-۲-۲. دسترسی به غذا (Access)

دسترسی به غذا به توانایی افراد برای دستیابی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی مربوط می‌شود. این رکن تحت تأثیر عواملی همچون درآمد، اشتغال، قیمت مواد غذایی، یارانه‌ها و نظام‌های حمایت اجتماعی قرار دارد. از منظر حقوق بشر، نابرابری در دسترسی به غذا می‌تواند مصداق تبعیض ساختاری و نقض تعهد دولت‌ها به تضمین حق بر غذا باشد.

۵-۲-۳. مصرف و بهره‌برداری از غذا (Utilization)

این رکن ناظر بر کیفیت رژیم غذایی، ایمنی مواد غذایی، وضعیت بهداشتی، آموزش تغذیه‌ای و توانایی بدن در جذب مواد مغذی است. گزارش‌های فائو نشان می‌دهد که سوءتغذیه می‌تواند حتی در شرایط دسترسی ظاهری به غذا نیز رخ دهد؛ مسئله‌ای که اهمیت این رکن را دوچندان می‌سازد.

۵-۲-۴. پایداری و ثبات (Stability)

پایداری به تداوم هر سه رکن پیشین در طول زمان اشاره دارد. بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی، منازعات مسلحانه و تحریم‌های اقتصادی از مهم‌ترین تهدیدهای ثبات امنیت غذایی محسوب می‌شوند. گزارش‌های اخیر فائو نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی و شوک‌های اقتصادی، از عوامل اصلی افزایش ناامنی غذایی در جهان هستند. (فائو، ۲۰۲۲، ۱۰۲)

می‌کند که دسترسی به غذا باید «با حفظ شأن و کرامت انسانی» صورت گیرد.

در پژوهش‌های فارسی نیز بر این پیوند تأکید شده است. برای نمونه، سجادی (۱۳۹۹) با تحلیل حق بر غذا در نظام حقوق بشر، نتیجه می‌گیرد که امنیت غذایی شرط لازم تحقق کرامت انسانی و پیش‌نیاز بهره‌مندی از سایر حقوق بنیادین است. همچنین رضایی (۱۴۰۱) ناامنی غذایی را یکی از مصادیق نقض ساختاری حقوق بشر در جوامع در حال توسعه می‌داند.

۵-۳-۲. تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر غذا (احترام، حمایت، ایفا)

نظام حقوق بشر بین‌الملل، تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر غذا را در قالب سه دسته کلی تبیین می‌کند: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا. این چارچوب که در تفسیر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تفصیل آمده، مبنای تحلیل حقوقی مسئولیت دولت‌ها در حوزه امنیت غذایی است.

۵-۳-۱. تعهد به احترام

تعهد به احترام بدین معناست که دولت‌ها نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، مانع دسترسی افراد به غذای کافی شوند. اقداماتی نظیر تخریب اراضی کشاورزی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز، یا محدودسازی دسترسی گروه‌های خاص به منابع غذایی، می‌تواند مصداق نقض این تعهد باشد.

مستقیم میان امنیت غذایی و حقوق بشر را تثبیت کرده است.

در ادبیات حقوقی فارسی نیز پژوهشگران بر این نکته تأکید کرده‌اند که شناسایی حق بر غذا در اسناد بین‌المللی، نقطه گذار از نگاه خیریه‌ای به نگاه حق‌محور در سیاست‌های غذایی است. (حبیبی، ۱۳۹۸، ۲۶؛ موسوی و احمدی، ۱۴۰۰، ۳۲)

۵-۳-۱. ارتباط امنیت غذایی با حق بر حیات و کرامت انسانی

امنیت غذایی ارتباطی وثیق و ساختاری با حق بر حیات دارد. بدون دسترسی پایدار به غذای کافی و سالم، حق بر حیات صرفاً مفهومی صوری و فاقد محتوای واقعی خواهد بود. دیوان بین‌المللی دادگستری و نهادهای حقوق بشری بارها تأکید کرده‌اند که حق بر حیات، صرفاً به معنای منع سلب خودسرانه زندگی نیست، بلکه مستلزم فراهم‌سازی شرایط حداقلی برای ادامه زندگی انسانی است.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیرهای خود تصریح می‌کند که دولت‌ها مکلف‌اند شرایطی فراهم کنند که تهدیدهای ساختاری علیه حیات، از جمله گرسنگی و سوءتغذیه، رفع شود غیر از این منظر، ناامنی غذایی گسترده می‌تواند به‌عنوان نقض غیرمستقیم حق بر حیات تلقی شود.

افزون بر این، امنیت غذایی ارتباطی بنیادین با کرامت انسانی دارد. کرامت انسانی اقتضا می‌کند که انسان‌ها برای بقا، ناچار به تحمل گرسنگی، وابستگی تحقیرآمیز یا مصرف غذای ناسالم نباشند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید

۵-۳-۲. تعهد به حمایت

و سالم محروم است، عملاً در وضعیتی قرار می‌گیرد که کرامت انسانی او به شدت مخدوش می‌شود.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۲ تصریح می‌کند که حق بر غذا باید به گونه‌ای تضمین شود که «زندگی همراه با کرامت انسانی» امکان‌پذیر باشد از این منظر، گرسنگی و سوءتغذیه صرفاً مشکلات بهداشتی یا اقتصادی نیستند، بلکه نشانه‌ای از نقض ساختاری کرامت انسانی‌اند.

در ادبیات نظری، امنیت غذایی به‌عنوان بخشی از «حداقل‌های زندگی شرافتمندانه» شناخته می‌شود. آمارتیا سن با طرح نظریه «توانمندی‌ها» تأکید می‌کند که فقر و گرسنگی، انسان را از تحقق توانمندی‌های اساسی محروم ساخته و مشارکت فعال او در جامعه را ناممکن می‌سازد بر این اساس، امنیت غذایی شرط لازم برای تحقق سایر حقوق بنیادین، از جمله حق بر آموزش، سلامت و مشارکت سیاسی است.

در پژوهش‌های فارسی نیز این پیوند مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، سجادی (۱۳۹۹) امنیت غذایی را «بنیاد عینی کرامت انسانی» دانسته و استدلال می‌کند که بدون تضمین دسترسی به غذای کافی، کرامت انسانی به مفهومی انتزاعی و غیرقابل تحقق فروکاسته می‌شود. همچنین حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی ثبت‌شده در IranDoc، تأکید می‌کند که کرامت انسانی در حقوق بشر، بدون تضمین حداقل‌های معیشتی، از جمله امنیت غذایی، فاقد ضمانت اجرایی واقعی است.

تعهد به حمایت ایجاب می‌کند که دولت‌ها از افراد در برابر اقدامات اشخاص ثالث، از جمله شرکت‌های خصوصی، که ممکن است حق بر غذا را نقض کنند، حمایت نمایند. تنظیم بازار غذا، نظارت بر ایمنی مواد غذایی و جلوگیری از احتکار و افزایش غیرمنصفانه قیمت‌ها، از مصادیق این تعهد است.

۵-۳-۳. تعهد به ایفا

تعهد به ایفا، دولت‌ها را ملزم می‌کند که در صورت ناتوانی افراد از تأمین غذای کافی، از طریق سیاست‌های حمایتی، یارانه‌ها، برنامه‌های تغذیه‌ای و حمایت‌های اجتماعی، به‌طور فعال در تحقق حق بر غذا مداخله کنند. این تعهد به‌ویژه در شرایط بحران‌های اقتصادی، بلایای طبیعی و منازعات اهمیت می‌یابد.

در ادبیات حقوقی فارسی، این سه‌گانه تعهدات به‌عنوان چارچوبی کارآمد برای تحلیل مسئولیت دولت‌ها در حوزه امنیت غذایی مورد پذیرش قرار گرفته است (زارعی، ۱۴۰۰، ۲۴)

۵-۳-۳. امنیت غذایی به‌عنوان پیش‌شرط کرامت انسانی

کرامت انسانی به‌عنوان سنگ‌بنای نظام حقوق بشر، مفهومی است که بدون تأمین نیازهای اساسی انسان، از جمله غذا، قابلیت تحقق عینی ندارد. امنیت غذایی در این چارچوب نه‌تنها یک نیاز زیستی، بلکه شرط بنیادین برخورداری انسان از شأن، استقلال و مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود. فردی که از دسترسی پایدار به غذای کافی

۵-۳-۴. امنیت غذایی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر

یکی از ابعاد اساسی عدالت اجتماعی در حوزه امنیت غذایی، توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر است. این گروه‌ها شامل کودکان، زنان، سالمندان، افراد دارای معلولیت، مهاجران، روستاییان فقیر و ساکنان مناطق حاشیه‌ای می‌شوند که به دلایل اقتصادی، اجتماعی یا ساختاری، بیش از دیگران در معرض ناامنی غذایی قرار دارند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را مکلف می‌کنند که در سیاست‌گذاری‌های غذایی، اصل عدم تبعیض و حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر را رعایت کنند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح می‌کند که دولت‌ها باید اقدامات مثبت و هدفمند برای تضمین دسترسی این گروه‌ها به غذای کافی اتخاذ نمایند.

در سطح ملی، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که ناامنی غذایی در ایران به‌طور نامتوازن بر برخی گروه‌ها اثر می‌گذارد. رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای منتشرشده در Noormags نشان می‌دهند که خانوارهای کم‌درآمد شهری و روستایی بیشترین آسیب را از نوسانات قیمت مواد غذایی متحمل می‌شوند. همچنین احمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی در *Enساني*، کودکان را آسیب‌پذیرترین گروه در برابر ناامنی غذایی معرفی کرده و تأکید می‌کند که سوءتغذیه کودکان، آثار بلندمدتی بر سلامت و توسعه انسانی جامعه دارد.

از منظر عدالت اجتماعی، بی‌توجهی به وضعیت غذایی گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند به بازتولید فقر،

نابرابری و حاشیه‌نشینی منجر شود. به همین دلیل، سیاست‌های حمایتی نظیر یارانه‌های هدفمند غذایی، برنامه‌های تغذیه مدارس و حمایت‌های اجتماعی، نه اقدامات خیریه‌ای، بلکه تکالیف حقوقی دولت‌ها در راستای تحقق حق بر غذا محسوب می‌شوند.

۵-۳-۵. آثار سیاست‌های اقتصادی و تحریم‌ها بر امنیت غذایی

سیاست‌های اقتصادی کلان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق یا تضعیف امنیت غذایی دارند. سیاست‌هایی نظیر آزادسازی قیمت‌ها، کاهش یارانه‌های اساسی، نوسانات ارزی و تورم، می‌توانند به‌طور مستقیم قدرت خرید خانوارها و دسترسی آنان به غذا را تحت تأثیر قرار دهند. در شرایطی که این سیاست‌ها بدون ملاحظات عدالت اجتماعی اجرا شوند، ناامنی غذایی به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد تشدید می‌شود.

تحریم‌های اقتصادی نیز یکی از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت غذایی به‌شمار می‌آیند. گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که تحریم‌ها، حتی زمانی که مستقیماً غذا را هدف قرار نمی‌دهند، از طریق اختلال در زنجیره تأمین، افزایش قیمت‌ها و کاهش توان مالی دولت‌ها، دسترسی به غذای کافی را محدود می‌کنند.

در ادبیات حقوقی فارسی، آثار تحریم‌ها بر امنیت غذایی ایران به‌طور گسترده بررسی شده است. زارعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای منتشرشده در *Civilica* استدلال می‌کند که تحریم‌های اقتصادی، از طریق افزایش تورم و کاهش واردات مواد غذایی و

کرده است. تأمین غذا به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی، در چارچوب این اصل قابل تحلیل است. افزون بر این، اصل چهل‌وسوم قانون اساسی به‌طور خاص به تأمین نیازهای اساسی از جمله خوراک اشاره کرده و نظام اقتصادی کشور را موظف به تأمین استقلال اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت می‌داند.

در سطح اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی نظام نقش مهمی در جهت‌دهی به امنیت غذایی ایفا می‌کنند. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر «امنیت غذایی» به‌عنوان یکی از ارکان استقلال اقتصادی کشور تأکید دارند. همچنین در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، تأمین امنیت غذایی پایدار به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

در پژوهش‌های حقوقی فارسی، این پراکندگی هنجاری به‌عنوان یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی ایران در حوزه امنیت غذایی مورد نقد قرار گرفته است. برای نمونه، حسینی (۱۳۹۹) معتقد است که عدم تصریح حق بر غذا در قانون اساسی، موجب تضعیف قابلیت استناد قضایی به این حق شده است، هرچند که اصول متعدد قانون اساسی، ظرفیت شناسایی ضمنی آن را فراهم می‌کنند.

۵-۳-۷. نهادها و سازوکارهای متولی امنیت غذایی

تحقق امنیت غذایی در ایران مستلزم عملکرد هماهنگ مجموعه‌ای از نهادها و دستگاه‌های اجرایی است. وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان نهاد اصلی تولید و تأمین محصولات کشاورزی، نقشی محوری

نهادهای کشاورزی، به‌طور غیرمستقیم حق بر غذا را نقض می‌کنند. همچنین موسوی و کریمی (۱۴۰۱) در پژوهشی ثبت‌شده در IranDoc، تحریم‌ها را یکی از عوامل ساختاری تضعیف عدالت غذایی در ایران معرفی می‌کنند.

از منظر حقوق بشر، اعمال سیاست‌های اقتصادی یا تحریم‌هایی که منجر به گسترش گرسنگی و سوءتغذیه می‌شوند، می‌تواند با تعهدات دولت‌ها و حتی مسئولیت‌های بین‌المللی ناقضان این تحریم‌ها در تعارض قرار گیرد. بدین ترتیب، تحلیل امنیت غذایی بدون توجه به بستر اقتصادی و سیاسی، تحلیلی ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود.

۵-۳-۶. جایگاه امنیت غذایی در قوانین و اسناد بالادستی ایران

اگرچه «امنیت غذایی» به‌صورت صریح و مستقل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر نشده است، اما با تحلیل اصول مختلف قانون اساسی می‌توان دریافت که این مفهوم به‌طور ضمنی و پراکنده در چارچوب حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان مورد شناسایی قرار گرفته است. اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف می‌کند که با به‌کارگیری تمامی امکانات خود، در جهت تأمین نیازهای اساسی، رفع فقر و محرومیت و ایجاد عدالت اجتماعی اقدام نماید؛ اهدافی که تحقق آن‌ها بدون تضمین امنیت غذایی ممکن نیست.

همچنین اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی را به رسمیت شناخته و دولت را مکلف به تأمین نیازهای اساسی شهروندان در مواردی نظیر بیکاری، پیری و ناتوانی

پراکندگی مسئولیت‌ها و کاهش اثربخشی سیاست‌ها شده است.

۴-۵. چالش‌ها و کاستی‌های حقوقی و اجرایی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی امنیت غذایی در ایران، نبود شناسایی صریح حق بر غذا به‌عنوان یک حق بنیادین قابل استناد است. این امر سبب شده که امنیت غذایی بیشتر در قالب سیاست‌های اجرایی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد تا به‌عنوان یک حق بشری با ضمانت‌های حقوقی مشخص.

از منظر اجرایی، ناپایداری سیاست‌ها، تغییر مکرر برنامه‌های حمایتی و وابستگی شدید امنیت غذایی به شرایط اقتصادی و سیاسی، مکرر برنامه‌های حمایتی و وابستگی شدید امنیت غذایی به شرایط اقتصادی و سیاسی، از جمله چالش‌های اساسی محسوب می‌شوند. نوسانات ارزی، تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها، کارآمدی سیاست‌های حمایتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

علاوه بر این، ضعف نظام داده‌ها و پایش امنیت غذایی، امکان ارزیابی دقیق وضعیت و طراحی سیاست‌های هدفمند را محدود کرده است. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که نبود شاخص‌های یکپارچه و داده‌های به‌روز، یکی از موانع جدی سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه امنیت غذایی است. (موسوی، ۱۴۰۱، ۴۲)

از منظر عدالت اجتماعی، برخی سیاست‌های حمایتی موجود، به دلیل عدم هدف‌گیری دقیق گروه‌های آسیب‌پذیر، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر ناامنی غذایی را کاهش دهند. درهای حمایتی موجود، به دلیل عدم هدف‌گیری دقیق گروه‌های آسیب‌پذیر،

در افزایش دسترسی فیزیکی به غذا دارد. این وزارتخانه از طریق سیاست‌های حمایتی، تنظیم بازار محصولات اساسی و توسعه کشاورزی پایدار، مستقیماً بر امنیت غذایی تأثیر می‌گذارد.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز از منظر سلامت و ایمنی غذا، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. نظارت بر کیفیت مواد غذایی، کنترل سوءتغذیه و اجرای برنامه‌های تغذیه‌ای، بخشی از وظایف این وزارتخانه در راستای تحقق بعد «بهره‌برداری سالم از غذا» محسوب می‌شود.

در حوزه حمایت اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادذیه و اجرای برنامه‌های تغذیه‌ای، بخشی از وظایف این وزارتخانه در راستای تحقق بعد «بهره‌برداری سالم از غذا» محسوب می‌شود.

در حوزه حمایت اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادهایی نظیر سازمان هدفمندی‌سازی یارانه‌ها و کمیته امداد امام خمینی (ره)، از طریق پرداخت یارانه‌های نقدی و غیرنقدی و اجرای برنامه‌های حمایتی، در کاهش ناامنی غذایی اقشار آسیب‌پذیر نقش دارند. افزون بر این، سازمان برنامه و بودجه از طریق تخصیص منابع مالی، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت یا ناکامی سیاست‌های امنیت غذایی ایفا می‌کند.

با وجود تعدد نهادهای متولی، پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که نبود هماهنگی نهادی و فقدان سازوکار واحد سیاست‌گذاری، یکی از موانع اساسی تحقق امنیت غذایی در ایران است. (رضایی، ۱۴۰۰، ۲۸) به باور برخی صاحب‌نظران، فقدان یک نهاد متمرکز با اختیارات قانونی مشخص، موجب

نمی‌تواند از تأمین حداقل‌های لازم برای جلوگیری از گرسنگی و سوءتغذیه شانه خالی کند؛ اصلی که در ادبیات حقوق بشر و نیز در پژوهش‌های حقوقی فارسی مورد تأکید قرار گرفته است. (سجادی، ۱۳۹۹، ۴۲)

۵-۶. اصلاح چارچوب‌های قانونی و نهادی

از منظر حقوقی، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر تحقق امنیت غذایی، تقویت شناسایی هنجاری حق بر غذا در نظام حقوقی ایران است. این امر می‌تواند از طریق تفسیر موسع اصول قانون اساسی، تصویب قوانین عادی تخصصی، یا تدوین «قانون جامع امنیت غذایی» تحقق یابد. وجود چنین قانونی می‌تواند اهداف، تعهدات دولت، نهادهای مسئول، شاخص‌های ارزیابی و سازوکارهای نظارتی را به صورت شفاف مشخص کند.

در سطح نهادی، رفع پراکندگی نهادی و تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های متولی ضرورتی انکارناپذیر است. ایجاد یک سازوکار هماهنگ‌کننده ملی در حوزه امنیت غذایی، با مشارکت وزارتخانه‌های مرتبط (جهاد کشاورزی، بهداشت، تعاون، سازمان برنامه و بودجه)، می‌تواند به انسجام سیاست‌ها و جلوگیری از تعارض یا موازی‌کاری کمک کند. پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهند که نبود نهاد راهبر واحد، یکی از علل اصلی ناکارآمدی سیاست‌های امنیت غذایی در ایران است. (رضایی، ۱۴۰۰، ۱۵)

همچنین، تقویت ضمانت‌های اجرایی و نظارتی اهمیت بسزایی دارد. پیش‌بینی امکان نظارت پارلمانی مؤثر، گزارش‌دهی منظم دستگاه‌ها و حتی

نتوانسته‌اند به طور مؤثر ناامنی غذایی را کاهش دهند. در نتیجه، شکاف‌های غذایی میان طبقات اجتماعی و مناطق مختلف کشور همچنان پابرجاست.

۵-۵. تقویت رویکرد حقوق بشری در سیاست‌گذاری غذایی

یکی از اساسی‌ترین راهکارهای تحقق پایدار امنیت غذایی در ایران، گذار از نگاه صرفاً اقتصادی و حمایتی به رویکرد حقوق بشری است. در رویکرد حقوق بشری، امنیت غذایی نه یک امتیاز یا سیاست رفاهی مقطعی، بلکه حق بنیادین شهروندان و تکلیف الزام‌آور دولت تلقی می‌شود. این تغییر پارادایم، پیامدهای مهمی در طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌های غذایی دارد.

بر اساس این رویکرد، دولت موظف است در تمامی سیاست‌های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف غذا، اصول عدم تبعیض، شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی را رعایت کند. تجربه‌های حقوقی نشان می‌دهد که سیاست‌های غذایی زمانی اثربخش و عادلانه خواهند بود که ذی‌نفعان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، در فرآیند تصمیم‌سازی مشارکت داده شوند. (حبیبی، ۱۴۰۰، ۱۲) افزون بر این، ارزیابی تأثیر حقوق بشری سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه در شرایط تورمی و تحریمی، می‌تواند از نقض ناخواسته حق بر غذا جلوگیری کند.

در این چارچوب، نهادینه‌سازی مفهوم حداقل هسته تعهدات دولت در قبال حق بر غذا (minimum core obligations) اهمیت ویژه‌ای دارد. بدین معنا که حتی در شرایط محدودیت منابع، دولت

توسعه‌ای را محقق می‌سازد. این رویکرد، امنیت غذایی را از سطح کمک‌های مقطعی به سطح سیاست‌های ساختاری ارتقا می‌دهد.

۶. نتیجه

امنیت غذایی در جهان معاصر دیگر صرفاً یک دغدغه اقتصادی، کشاورزی یا مدیریتی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های حقوق بشر و پیش‌شرط تحقق کرامت انسانی، جایگاهی محوری در ادبیات حقوقی و سیاست‌گذاری عمومی یافته است. بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که فقدان امنیت غذایی، نه‌تنها به معنای گرسنگی یا سوءتغذیه، بلکه نشانه‌ای از اختلال عمیق در نظم حقوقی، ناکارآمدی حکمرانی و ناتوانی دولت در ایفای تعهدات بنیادین خود در قبال شهروندان است. از این منظر، امنیت غذایی را باید معیاری سنجش‌پذیر برای میزان پایبندی دولت‌ها به اصول حقوق بشر دانست.

تحلیل مفهوم امنیت غذایی و ارکان اساسی آن نشان داد که این مفهوم ناظر بر دسترسی پایدار، فیزیکی و اقتصادی همه افراد به غذای کافی، سالم و مغذی است؛ به‌گونه‌ای که امکان برخورداری از زندگی شایسته و فعال اجتماعی فراهم شود. چنین برداشتی، امنیت غذایی را از سطح سیاست‌های مقطعی و حمایتی فراتر برده و آن را در پیوندی ناگسستنی با حق حیات، حق سلامت، حق توسعه و در نهایت کرامت انسانی قرار می‌دهد. در این چارچوب، غذا نه یک کالای صرفاً اقتصادی، بلکه عنصری بنیادین برای حفظ شأن انسانی تلقی می‌شود.

قابلیت طرح دعوی عمومی در موارد نقض گسترده حق بر غذا، می‌تواند به ارتقای پاسخگویی دولت در این حوزه بینجامد. در این زمینه، برخی پژوهشگران حقوق عمومی پیشنهاد داده‌اند که دیوان عدالت اداری می‌تواند نقشی فعال‌تر در نظارت بر سیاست‌های مؤثر بر امنیت غذایی ایفا کند. (موسوی، ۱۴۰۱، ۱۸)

۵-۷. حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر

حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، یکی از ارکان اساسی تحقق عدالت غذایی و کرامت انسانی است. از منظر حقوق بشر، دولت‌ها موظف‌اند اقدامات مثبت و ترجیحی برای گروه‌هایی اتخاذ کنند که به‌طور ساختاری در معرض ناامنی غذایی قرار دارند؛ از جمله کودکان، سالمندان، زنان سرپرست خانوار، روستاییان کم‌درآمد و ساکنان مناطق محروم.

در این راستا، هدفمندسازی سیاست‌های حمایتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تجربه‌های داخلی نشان داده‌اند که سیاست‌های عمومی و غیرهدفمند، به‌دلیل نشت منابع به دهک‌های برخوردار، اثربخشی لازم در کاهش ناامنی غذایی را ندارند. (احمدی، ۱۴۰۰)، طراحی برنامه‌های حمایتی مبتنی بر داده‌های دقیق، شاخص‌های فقر غذایی و نیازهای واقعی خانوارها، می‌تواند کارآمدی این سیاست‌ها را افزایش دهد.

افزون بر حمایت‌های مالی، توسعه برنامه‌های تغذیه‌ای پایدار، مانند تغذیه مدارس، حمایت از تغذیه مادران باردار و کودکان، و تقویت امنیت غذایی در مناطق روستایی، از جمله اقداماتی است که هم‌زمان اهداف حقوق بشری، بهداشتی و

عمدتاً پراکنده، غیرمنسجم و فاقد چارچوب حقوقی صریح هستند. نبود شناسایی روشن حق بر غذا به‌عنوان حقی قابل مطالبه، ضعف ضمانت‌های اجرایی، پراکندگی نهادی و غلبه نگاه اقتصادی و کوتاه‌مدت، از مهم‌ترین موانع تحقق پایدار امنیت غذایی محسوب می‌شوند. این وضعیت سبب شده است که سیاست‌های غذایی بیشتر واکنشی، مقطعی و وابسته به شرایط اقتصادی باشند و کمتر در قالب یک راهبرد حقوقی پایدار دنبال شوند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گذار از این وضعیت، مستلزم تغییر بنیادین در رویکرد حکمرانی غذایی است. امنیت غذایی باید از سطح سیاست‌های حمایتی به سطح تعهدات حقوق بشری ارتقا یابد. چنین تغییری، به معنای پذیرش این واقعیت است که دولت نه‌تنها مسئول تأمین غذا، بلکه پاسخگو در قبال پیامدهای تصمیمات اقتصادی، ارزی و اجتماعی خود بر دسترسی مردم به غذاست. در این چارچوب، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت عمومی و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر، به عناصر جدایی‌ناپذیر سیاست‌گذاری غذایی تبدیل می‌شوند.

در نهایت، می‌توان گفت تحقق امنیت غذایی پایدار، بدون نهادینه‌سازی رویکرد حقوق‌پذیر، به عناصر جدایی‌ناپذیر سیاست‌گذاری غذایی تبدیل می‌شوند.

در نهایت، می‌توان گفت تحقق امنیت غذایی پایدار، بدون نهادینه‌سازی رویکرد حقوق بشری ممکن نخواهد بود. تا زمانی که غذا صرفاً به‌عنوان کالا و امنیت غذایی به‌عنوان برنامه‌ای حمایتی نگریسته شود، کرامت انسانی در معرض تهدید باقی خواهد ماند. اما اگر امنیت غذایی به‌عنوان حق بنیادین بشر

بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشان داد که حق بر غذا به‌صورت صریح و الزام‌آور شناسایی شده و دولت‌ها در قبال آن دارای تعهدات مشخص و چندلایه هستند. این تعهدات، شامل خودداری از اقدامات ناقض، حمایت از افراد در برابر مداخلات اشخاص ثالث و اتخاذ تدابیر مثبت برای تضمین دسترسی همگانی به غذاست. اهمیت این چارچوب در آن است که امنیت غذایی را از حوزه اختیار و اراده سیاسی خارج کرده و آن را به قلمرو مسئولیت حقوقی دولت‌ها وارد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حتی در شرایط بحران اقتصادی، تحریم یا محدودیت منابع، دولت‌ها همچنان مکلف به تأمین حداقل‌های لازم برای جلوگیری از گرسنگی و سوء‌تغذیه هستند.

پیوند امنیت غذایی با کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، یکی از یافته‌های محوری این پژوهش است. ناامنی غذایی به‌طور ساختاری گروه‌های خاصی از جامعه را بیش از دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد و همین امر، آن را به پدیده‌ای عمیقاً نابرابر و تبعیض‌آمیز تبدیل می‌کند. کودکان، زنان، سالمندان، اقشار کم‌درآمد و ساکنان مناطق محروم، نخستین قربانیان سیاست‌های ناکارآمد غذایی هستند. در نتیجه، بی‌توجهی به امنیت غذایی، به‌طور مستقیم به بازتولید فقر، تضعیف سرمایه انسانی و تداوم چرخه نابرابری منجر می‌شود. از این منظر، تضمین امنیت غذایی نه‌تنها یک تکلیف اخلاقی، بلکه ضرورتی حقوقی برای تحقق عدالت اجتماعی است.

بررسی وضعیت ایران نشان داد که اگرچه اصول و سیاست‌های کلان کشور ظرفیت‌هایی برای حمایت از امنیت غذایی فراهم کرده‌اند، اما این حمایت‌ها

- سجادی، عباس، «تعهدات سه‌گانه دولت در قبال حق بر غذا»، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ۱۳۹۹.

- سجادی، عباس؛ رضایی، سمیه، «تحلیل حقوقی امنیت غذایی در پرتو کرامت انسانی»، مجله پژوهش‌های حقوق عمومی، ۱۴۰۴.

- موسوی، حسن، «نقش دیوان عدالت اداری در نظارت بر حقوق اقتصادی-اجتماعی»، فصلنامه حقوق اداری، ۱۴۰۱.

- موسوی، حسن؛ احمدی، رضا، «حق بر غذا و سیاست‌گذاری عمومی در ایران»، فصلنامه حقوق عمومی، ۱۴۰۰.

منابع لاتین

- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, (1999).
- Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO). (1996).
- General Comment No. 12: The Right to Adequate Food (Art. 11 of the Covenant). United Nations.
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR). (1966).
- Poverty and Hunger: Issues and Options for Food Security in Developing Countries. Washington, DC: World Bank.
- Rome Declaration on World Food Security and World Food Summit Plan of Action. Rome: FAO.
- United Nations Treaty Series, Vol. 993.
- World Bank. (1986).

و معیاری برای سنجش مشروعیت و کارآمدی حکمرانی تلقی شود، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌گذاری غذایی به سمت عدالت، پایداری و احترام واقعی به شأن انسان حرکت کند. چنین تحولی، نه تنها ضامن سلامت و رفاه جامعه، بلکه زیربنای توسعه انسانی و ثبات اجتماعی در بلندمدت خواهد بود.

۷. سهم نویسندگان

تهیه و تدوین پژوهش حاضر بوسیله نویسندگان انجام گرفته است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، رضا، «هدفمندسازی یارانه‌ها و عدالت غذایی»، فصلنامه اقتصاد و حقوق عمومی، ۱۴۰۰.
- حبیبی، محمد، «حق بر غذا در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، ۱۳۹۸.
- حبیبی، محمد، «رویکرد حقوق بشری به سیاست‌های رفاهی»، مجله حقوق عمومی، ۱۴۰۰.
- رستمی، حسین، «امنیت غذایی و مسئولیت دولت در حقوق عمومی»، فصلنامه حقوق اداری، ۱۴۰۴.
- رضایی، سمیه، «چالش‌های نهادی امنیت غذایی در ایران»، پژوهشنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۴۰۰.